

سخن سردبیر

مطالبات شرق‌شناسان از جستجو در شرق

به دلیل نقش محوری مفهوم شرق در موضوع مجله در هر شماره سخنی ویژه به بازخوانی نظریه‌های مربوط به آن می‌پردازد.

سیر تحول شرق‌شناسی در دوران مدرن و پست‌مدرن و چالش‌هایی که از دهه ۶۰ به بعد داشته، نظریات گوناگونی را در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، زبان‌شناسی و مردم‌شناسی به وجود آورده است. در بخشی از مطالعات شرق‌شناسی، انگیزه‌های شرق‌شناسان در سه گروه استعماری، تبشیری - مسیحی و علمی مورد نقد و بررسی شرق‌شناسان مسلمان و متفکران مسیحی و ماتریالیست واقع شد و قضاوت‌های متفاوتی را نیز درباره ماهیت شرق‌شناسی مطرح ساخت. برخی آن را زاینده مدرنیته می‌دانند و طیفی دیگر با نگاهی تاریخی، شرق‌شناسی را از ابتدا رویکردی سیاسی و ایدئولوژیک دانسته‌اند. اما امروز با توسعه ارتباطات، تضعیف مرزهای جغرافیایی و ظهور و طرح نظریه‌های فرهنگ جهانی مباحث شرق‌شناسی وارد مرحله‌ای جدید شده است.

شرق‌شناسی به عنوان یک زمینه پژوهشی در دوران مدرن و پس از رنسانس در دومین مرحله تاریخی غرب پدیدار شد و از آغاز شکل‌گیری آن به واسطه روش تحلیل، جزءنگر و بی‌تفاوت نسبت به معنا، قربانی تاریخی‌نگری خود شد. این روند بیشتر بیانگر فاعل پژوهنده (انسان غربی) بوده است تا اینکه متعلق پژوهش (شرق) را توضیح دهد؛ و هدف آن در وهله نخست جمع‌آوری اطلاعات مفید و تجربه کشورهای، مردم و فرهنگ‌های شرق بوده است. غرب در توسعه خارج از مرزهای جغرافیایی خود همواره کوشیده است بهتر بفهمد تا بهتر استیلا پیدا کند؛ زیرا دانش قدرت است.

در دوران مدرن و پست‌مدرن ارتباط شرق‌شناسی با علوم دیگر چون مردم‌شناسی و زبان‌شناسی و ظهور اندیشه‌های جدید موجب حرکت و تحولات فکری در غرب شد. از جانب متفکران و شرق‌شناسان غربی و شرقی، مسلمان، مسیحی، ماتریالیست‌ها و مارکسیست‌ها نظراتی مطرح شد که مسیر شرق‌شناسی را به چالش‌های متفاوت با گذشته سوق داد. در سال ۱۹۷۸، دو کتاب بسیار مهم در زمینه شرق‌شناسی در اروپا و آمریکا منتشر شد: «شرق‌شناسی» ادوارد سعید و «مارکس و پایان شرق‌شناسی» برایان ترنر که تأثیر بی‌سابقه‌ای بر روند شرق‌شناسی بر جای گذاشت و آغازی بود بر نقد شرق‌شناسی.

می‌توان گفت شرق‌شناسی فکر و رویکردی است که از تفکر در قلمرو مدرنیته حاصل آمده است. غرب در برخورد با شرق بود که رشته تازه‌ای موسوم به شرق‌شناسی را به وجود آورد. بعضی گفته‌اند شرق‌شناسی عبارت است از نگاه غربیان به شرق به منظور امکان فهم ابعاد مختلف فرهنگ شرقی اما شرق‌شناسی در معنای وسیع خود رهیافتی است روش‌شناختی که پژوهندگان غربی را به دریافت ابعاد گوناگون فرهنگ شرقی یاری می‌دهد.

شرق‌شناسی بر دو تصویر وابسته تکیه کرده است: یکی تصویر فرهنگ خودی و دیگر تصویر و بازنمایی فرهنگ بیگانه که بر پایه ایدئولوژی شرق‌شناسی نوعی تصویر دوگانه از دو فرهنگ شرق و غرب تجسم پیدا می‌کند. شرق‌شناسی بیش از آنکه شرق فرهنگی را به عنوان

قلمرو خود بشناسد سرگرم تأمل درباره خویش بوده است؛ بدین معنا که شرق‌شناسی از آغاز به دنبال پژوهش پیرامون تاریخ و فرهنگ شرق نبوده، بلکه در پی ایجاد شرقی بوده که مطلوب معنای غرب است. از این رو با مطالعه آثار شرق‌شناسان بیش از آنکه به تاریخ و فرهنگ شرق پی بریم رویکرد غربیان در خصوص هویت و ماهیت خودشان را خواهیم شناخت (ضیمران، ۱۳۸۱: ۱۷).

به قرائن تاریخی، شرق‌شناسی از ابتدای ظهور رویکردی سیاسی و ایدئولوژیک داشته است. این حوزه به عنوان منظومه‌ای از دانش‌های گوناگون از اواخر قرن ۱۷ آغاز شد و در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به اوج خود رسید. در این مدت انگلستان، فرانسه و این اواخر آمریکا کوشیدند بر سرزمین‌های شرقی چیره شده و به منابع و امکانات طبیعی و اجتماعی آنها دست پیدا کنند. امروز که مرزهای شرق و غرب به علت ظهور و گسترش «جهان‌گرایی فرهنگی» رفته رفته فرو می‌ریزد گفتمان جهانی‌سازی جانشین آن شده است.

با وجود تلاش‌های بسیار استعمارگران از قرن ۱۹ میلادی تاکنون برای مقابله با فرهنگ غنی شرق و غرب‌سالاری‌های سیاستمداران و ماجراجویان همچنان در جهان امروز رد پای هنر و تمدن والای شرق به چشم می‌خورد و بسیاری از اقوام شرقی در سراسر جهان در پی احیای فرهنگ و تمدن ارزشمند خویش هستند؛ چنانکه در کشورهای آسیای میانه پس از فروپاشی نظام کمونیستی شاهد هستیم حکومت در پی احیای فرهنگ خودی به مرمت آثار گذشته پرداخته و چندین شهر باستانی را احیا کرده‌اند. همچنین آداب و رسوم کهن را که براساس باورها و اعتقادات سینه به سینه حفظ شده بود دوباره زنده ساخته و به شیوه نیاکان زندگی را رقم زده‌اند.

امروز موج انقلاب اسلامی ایران و در پی آن بیداری جهان اسلام به جنبش‌های مردمی انجامیده که عموماً با هدف احیای فرهنگی و دستیابی به پیشینه‌های تمدن غنی شرقی است؛ تمدن‌هایی که پیش از اسلام و در دوران اسلامی با شعار عدالت‌خواهی و حقیقت‌جویی روزگاری دراز بر مسند قوی علم و فرهنگ تکیه زده و غنی‌ترین تمدن‌ها را به بشریت عرضه داشته است.

عاقبت یک روز مغرب محو مشرق می‌شود عاقبت غربی‌ترین دل نیز عاشق می‌شود

شرط می‌بندم که فردایی نه خیلی دیر و دور مهربانی حاکم کل مناطق می‌شود

می‌رسد روزی که شرط عاشقی دلدادگی است آن زمان هر دل فقط یک بار عاشق می‌شود

من گمان دارم زمانی که نه زود است و نه دیر روح باران حاکم کل مناطق می‌شود (خلیل ذکاوت)

تفکر و انگیزه‌های شرق‌شناسی در غرب شکل گرفت و در دوران مدرن و پس از رنسانس وارد مرحله‌ای شد که بیشتر به شناخت، تثبیت غرب و انسان غربی نظر داشت تا پژوهش‌های شرقی و این رویکرد در جوامع شرقی با مقاومت اندیشمندان مواجه شد؛ واکنش مبنی بر بازگشت به خویش و تکیه بر اصالت‌های بومی، فرهنگی و تمدنی شرق. نشر کتاب‌های گوناگون در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و حرکت به فراسوی شرق‌شناسی در دهه ۸۰ با اندیشه‌های پست‌مدرن باب جدیدی در شرق‌شناسی را گشود. با وجود انگیزه‌های متفاوت شرق‌شناسان تاکنون، غرب امپریالیست و مارکسیست هرگز موفق به مقابله جدی و کامل با فرهنگ و باورهای شرق نشده‌اند. شکل‌گیری اندیشه شرق‌شناسی و سیر تحول آن در گذر زمان شرق‌شناسانی آگاه و با انگیزه‌های علمی به خود دیده است که گاه به مراتب از دانشمندان شرقی قوی‌ترند؛ و در مقابل مستشرقینی که تنها اهداف استعماری داشته و خلاف اخلاق علمی و انسانی عمل کرده‌اند.

کتابشناسی

- انصاری، فرهنگ. ۱۳۸۱. شرق‌شناسی و گفتگوی تمدن‌ها. روزنامه صبح امروز، ۲۷: ۱۷-۱۲.
- حبیب، ام. ای. ۱۳۸۱. شرق‌شناسی به مثابه یک گفتمان، ترجمه: سعیدرضا طلاجوی. ماهنامه گزارش گفت‌وگو، (۲۷).
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب. ۱۳۴۰. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- حنفی، حسن. ۱۳۹۰. از شرق‌شناسی تا غرب‌شناسی. ترجمه: شاهر رحمانی. مجله اطلاعات حکمت و معرفت، (۵): ۱۶.
- خوشنویس، حمید. ۱۳۷۸. معرفی کتاب‌های شرق‌شناسی. نشریه آیین پژوهش، (۵۹): ۱۰۲-۹۹.
- ضیمران، محمد. ۱۳۸۱. گذری به فراسوی شرق‌شناسی. گزارش گفت‌وگو، (۲۷): ۱۹-۱۲.
- لسترنج، گای. ۱۳۸۶. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه: محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی، سیدعلی. ۱۳۷۷. شرق‌شناسی و غرب‌شناسی؛ دو نحوه گفتگوی تمدن‌ها، مجله سیاست خارجی، ۱۲ (۲): ۴۱۶-۴۰۷.